

سرمقاله

تاریخ کهن ما حرف‌های زیادی برای گفتن دارد



امیر افشارفثی  
دبیر تحریریه

وقتی آقای ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با آن همه ادعا درباره جنگ و قدرت، ایران را تهدید می‌کند که «آن را به عصر حجر می‌فرستد»، در واقع نشان می‌دهد که خودش تاریخ ۲۵۰ ساله کشور خود را هم به درستی نمی‌شناسد، چه برسد به تاریخ هفت هزار ساله ایران!

او نمی‌داند ایران فقط یک کشور امروزی نیست؛ ایران یکی از اولین تمدن‌های بزرگ بشری بوده که مفاهیم مهمی مثل قانون، اخلاق و حتی هنر درست حکومت کردن را به دنیا یاد داده است.

آنچه امروز «تمدن» می‌نامیم؛ یعنی تلاش برای ساختن نظم، پیدا کردن معنا در زندگی، کنترل خشونت، سازماندهی جامعه و تبدیل قدرت به قانون، قرن‌ها پیش در همین سرزمین ایران پایه‌ریزی شده بود. یافته‌های باستان‌شناسی از مکان‌هایی مثل تپه سلیک، جیرفت و شهر سوخته، یا حتی کتیبه‌های باستانی هخامنشی، به ما نشان می‌دهند که مفهوم «نظم اخلاقی» (که در آن زمان به «آشه» یا «راستی» معروف بود) و «حکومت بر اساس عهد و پیمان» از همان ابتدا جزئی از هویت ایرانی بوده است.

حالا بیایید به آن چیزی که می‌توانیم «ذهنیت عصر حجری» ترامپ بنامیم، فکر کنیم. این یعنی یک طرز فکر که پیچیدگی‌های تمدن را نمی‌فهمد، تاریخ را نادیده می‌گیرد و فکر می‌کند خشونت یا فریبکاری بهترین راه برای رسیدن به خواسته‌هایش است. حتی در آثار نویسندگانی مثل دانته، که درباره دوزخ نوشته، جالب است که فریبکاری را گناهی بدتر از خشونت می‌داند! چون فریبکاری از درون ذهن و نیت آدم نشأت می‌گیرد، در حالی که خشونت ممکن است واکنشی آبی باشد. دانته معتقد بود گناهان فکری و ذهنی، مثل فریب، از گناهان فیزیکی بدتر هستند، چون ریشه در قلب نیت انسان دارند.

شاید جمله لورکا، شاعر معروف اسپانیایی را شنیده باشید که با بیان جمله‌ای این موضوع را تصدیق می‌کند. او می‌گوید: «زندگی برای آدم‌های احساسی مثل تراژدی است و برای آدم‌های منطقی، کمدی است.»

اما تاریخ ایران، الگویی متفاوت دارد. نظام دوری اخلاقی در ایران باستان، از اوستا تا شاهنامه فردوسی، هرگز قهرمان را بر اساس قدرت فیزیکی تعریف نمی‌کند؛ بلکه بر پایه «خرد»، «راستی»، «پیمان‌داری» و «خوبشندن‌داری» می‌سنجد. داریوش در کتیبه بیستون، بارها از «دروغ» به عنوان عاملی که نظم جهان را به هم می‌زند، یاد می‌کند؛ دروغی که دشمن فرد نیست، بلکه دشمن یک دیدگاه درست به زندگی است. منشور کوروش هم نمونه‌ای درخشان از تلاش برای مهار خشونت است؛ مثلاً با احترام به ادیان و فرهنگ‌های مختلف و پایان دادن به برده‌داری.

پس، میراث ایران فقط یک تاریخ باستانی نیست؛ بلکه در «سرمشق بودن آن» برای امروز ماست. در دنیایی که توسط دو شرور ترامپ و نتانیاهو دوباره شاهد خشونت‌های گوناگون، ساده‌انگاری‌ها و تحریف حقیقت هستیم، یادآوری این میراث، یک ضرورت فرهنگی است. دفاع از تاریخ ایران، یعنی دفاع از آن چیزی که انسان را از «ذهنیت عصر حجری» جدا می‌کند و به او وقار می‌بخشد، وقاری که ابرقدرت‌های پوشالی‌ای چون آمریکا به زور و با ایجاد جنگ و کشتار می‌خواهند به آن برسند!

این رویکرد تمدنی، در هنرهای اصیل ایران، به‌ویژه در سینما و تئاتر ما نیز به وضوح دیده می‌شود. اگر «ذهنیت عصر حجری» با تکیه بر خشونت و تصویرسازی‌های اغراق‌آمیز سعی در مرعوب کردن مخاطب دارد، هنر متعهد ایران، در مقابل، به دنبال لایه‌های زیرین حقیقت است. سینمای ما در بهترین نمودهایش و تئاتر ما که ریشه در سنت‌های کهن روایتگری دارد همواره به جای نمایش بی‌پرده خشونت، به دنبال تحلیل «خرد» و «اخلاق» در بحران‌ها بوده است. هنرمندان ما به خوبی درک کرده‌اند که قدرت صحنه و پرده، نه در نشان دادن قدرت با زور، بلکه در به تصویر کشیدن پیروزی «راستی» بر «فریب» و «شکیبایی» بر «خشم» است. در واقع، هر فیلم یا نمایشی که بتواند از دام ساده‌انگاری و خشونت بدوی فاصله بگیرد و انسان را به تماشای پیچیدگی‌های اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی دعوت کند، در حال پاسداری از همان میراثی است که ما را از «ذهنیت عصر حجری» جدا کرده و به قله‌های بلوغ تمدنی می‌رساند.

به طور خلاصه، خشونت و فریبکاری در هر زمان، نشانه عقب‌ماندگی ذهنی است، نه قدرت یا عقلانیت. خشونت، واکنشی ابتدایی است و فریبکاری، پیچیدگی‌ای که اخلاق ندارد. در مقابل، سنت کهن ایران، از نظم اخلاقی باستان گرفته تا خرد در شاهنامه و قوانین هخامنشی، نمادی از بلوغ تمدنی است؛ بلوغی که قدرت را به قانون، احساسات را به خرد و غریز را به اخلاق تبدیل می‌کند.

این الگو نیز با آموزه‌های دینی ما، یعنی اسلام، هم‌راستا و تقویت می‌شود. در اسلام، ظلم و فریبکاری از بزرگ‌ترین خطاهای اخلاقی هستند و عدالت، امانت‌داری، وفای به عهد و کنترل خشم، پایه‌های رشد فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند. این اصول، درست مانند میراث تمدنی ایران کهن، ساز و کارهایی برای کنترل خشونت، رد فریبکاری و ارتقای فهم جمعی ارائه می‌دهند. بنابراین، هر فرد، جامعه یا گفتگویی که خشونت و فریبکاری را اصل قرار دهد، در واقع حامل «ذهنیت عصر حجری» است؛ ذهنیتی که اگرچه شاید ظاهری مدرن داشته باشد، اما با جوهره تمدن واقعی فاصله دارد و در مقابل میراث اخلاقی ایران باستان و آموزه‌های اسلام قرار می‌گیرد.

سینما به سوگ دریا نشست

روایت اشک و غیرت برای ایران

در روزهایی که داغ فقدان فرمانده‌ای از دل دریا بر سینما ایران نشست، صدای اهالی سینما نیز با مردم گره خورده است؛ از ستایش شجاعت و وداعی شاعرانه با شهید علیرضا تنگسیری تا روایت اندوه و امید، هنرمندان با واژه‌هایی آمیخته به اشک و غیرت، یک صدا از «ایران» گفته‌اند؛ از سرزمینی که برایشان نه فقط خاک، که تمام جان است.

دلواری شهید علیرضا تنگسیری؛ تو عصای موسای رهبر شهیدمان بودی

ابراهیم حاتمی کیا کارگردان سینما برای شهادت سردار علیرضا تنگسیری فرمانده نیروی دریایی سیاه پاسداران انقلاب اسلامی دلنوشته‌ای منتشر کرد.



متن دلنوشته‌ی وی بدین شرح است: به نام خدای سرداران سر به دار.

به نام خدای سردار تنگسیری. به نام آن که یکی دیگر از سفره‌داران این بزم میدان دفاع را برگزید.

چه بنویسم که دل پرآشوبم آرام شود؟ چه بنویسم که بغض پشت فریادم پنهان بماند؟

دلم می‌سوزد از اینکه دیگر سردار، تبریک اعیاد را پیشدستی نخواهد کرد.

دلم می‌سوزد که دیگر صدای مهربان سردار را نخواهم شنید.

دلم می‌سوزد که دیگر چهره خندان‌اش را در پس‌زمینه‌ی خلیج فارس نخواهم دید.

سردار، تو عصای موسای رهبر شهیدمان بودی.

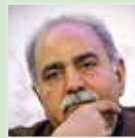
ایمان دارم، فراز سرخ این شاهنامه، با این کوچ‌ها رنگ نمی‌بازد.

کاش در کنار یارانت بودی و غرق شدن سپاه فرعون را به چشم خود می‌دیدی.

پس ای دریابان خلیج همیشه فارس، آسوده باش که یارانت، این حماسه را با همان سرمشق تو به پایان خواهند رساند.

پرویز پرستویی، بازیگر سینما و تلویزیون؛ علمدار خلیج فارس روح شاد

پرویز پرستویی بازیگر سینما، با انتشار استوری‌هایی در فضای مجازی‌اش، ترور سردار علیرضا تنگسیری را تسلیت گفت و از زحمات کارکنان اداره برق قدردانی و حملات به دانشگاه‌های کشور را محکوم کرد.



پرویز پرستویی، در ادامه واکنش‌های خود به جنگ نا جوانمردانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران این بار به ترور سردار شهید تنگسیری و زحمات کارکنان اداره برق و همچنین حمله به دانشگاه‌ها پرداخت.

او در واکنش به ترور سردار دریابان علیرضا تنگسیری در استوری اینستاگرام خود نوشت:

علمدار خلیج فارس و تنگه هرمز روحش شاد و یادش

واکنش رضا میرکریمی به شهادت فرمانده نیروی دریایی سیاه جاوید باد شهید رئیس‌علی رضا دلواری تنگسیری

رضا میرکریمی، نویسنده و کارگردان سینما در واکنش به شهادت دریابان علیرضا تنگسیری نوشت: زنده و جاوید باد نام و یاد سردار شجاع ایرانی شهید رئیس‌علی رضا دلواری تنگسیری.



یادداشت باشه‌ا هنگر در وصف سردار شهید علیرضا تنگسیری

نگینی دیگر به گلزار شهدای آبادان افزوده شد

محمدعلی باشه‌ا هنگر کارگردان سینما همزمان با مراسم تشییع دریابان علیرضا تنگسیری که چند روز قبل و در جریان تجاوز آمریکا و اسرائیل به کشور به شهادت رسید نوشت: گلزار شهدای آبادان نورباران خواهد شد. چه شهدایی به خود دیده است این قطعه از بهشت. از شهدای گمنام سینما رکس آبادان که حتی سنگ مزاری هم ندارند تا شهدای گمنام جنگ هشت ساله. صدها شهید که شهید علیرضا تنگسیری حالا تک به تکشان را می‌شناسد. نگینی دیگر به گلزار شهدای آبادان افزوده شد.



چه شبی است جمعه شب در گلزار شهدای آبادان. گلزاری که روزگاری هزاران جوان گلگون کفن را غریبانه در دل تاریکی شب در آغوش خود می‌گرفت. روزگاری که زیر باران گلوله‌بختی‌ها مقاومت کردند تا امروز که دلواری از سلاله تنگسیریان دلیر به خانه‌اش برگردد و چه حرف‌ها دارد این دریا دل بی‌باک از رزم مظلومانه‌اش با قوی‌ترین ارتش دنیا.

ارسطو خوش رزم، بازیگر سینما؛ ایران تا همیشه تمام جان ماست

ارسطو خوش رزم، بازیگر سینما در یادداشت اختصاصی که در اختیار صبا قرار داد، از خشم و ناراحتی خود از تجاوز رژیم کودک کش صهیونیستی و آمریکا علیه ایران نوشت:



با چشمی پر از اشک برای حلمای یک ساله و تنها، با اندوهی به وسعت تمام مردم

زنده و جاوید باد نام و یاد سردار شجاع ایرانی شهید رئیس‌علی رضا دلواری تنگسیری

داغدار این سرزمین. اما امیدوار و مطمئن به روزهای روشن که خیلی زود دوباره از راه خواهد رسید می‌نویسم نام ایران را بلند فریاد بزَن؛ مثل بیداری یک چشمه در دل کویر. بگذار باد از روی گندمزارها بگذرد و خاطره‌ی دست‌های مهربان در خاک بماند.

ایران نه فقط مرز روی نقشه، که بوی باران است بر شانه‌ی کوه، و صدای قدم‌های مردمی که هنوز به روشنی صبح ایمان دارند.

اگر شب بلند است چراغی در دل خانه هست؛ و صبح راهش را از میان همین دل‌ها پیدا می‌کند.

و ایران تا همیشه تمام جان ماست

محمیا دهقانی، بازیگر؛ ایران گنجینه‌ای است که ما نگهبان آنیم

محمیا دهقانی، بازیگر؛ آنچه این روزها در حال وقوع است، امری همگانی است. فارغ از هر ایدئولوژی، نگرش، دغدغه یا هدفی، نقطه اشتراک همه ما چیزی جز ایران نیست. این روزها همگی با تمام وجود، درد و رنج را احساس می‌کنیم. از هر صدا که شبانه‌روز به گوش می‌رسد، تا عزیزانی که از دست می‌دهیم و کودکان بی‌گناهی که از همان آغاز این جنگ ناعادلانه، جان باختند.



این یکپارچگی و شکوفایی اصالت مردمی که در شرایط دشوار خود را نشان می‌دهند، اتفاقی ستودنی است. مردم ایران در این روزها اصالت خود را به تمام جهان ثابت کردند. من به نوبه خود فقط آرزو می‌کنم که این جنگ هرچه زودتر به خیر ما به پایان برسد. جز دعا برای مدافعان کشورمان و بازماندگانی که عزیزانشان را از دست داده‌اند، در این روزها کاری از دستمان بر نمی‌آید.

ایران گنجینه‌ای است که ما نگهبان آنیم تا به آیندگان برسد. هرگز نمی‌توانیم این میراث را به بیگانه بسپاریم. این گنج را به چه چیزی می‌توان فروخت؟